

## قدم‌های خاکی دم آتشین

تواضع، بارزترین فصل ممیز مردان خداست از دیگران. ماندگارترین افراد هر دوران، آنهایی بوده‌اند که همیشه خود را کوچک‌ترین و کمترین خلق خدا شناخته‌اند در حالی که بودی بسیار بیشتر از نمودشان داشته‌اند...



تواضع، بارزترین فصل ممیز مردان خداست از دیگران. ماندگارترین افراد هر دوران، آنهایی بوده‌اند که همیشه خود را کوچک‌ترین و کمترین خلق خدا شناخته‌اند در حالی که بودی بسیار بیشتر از نمودشان داشته‌اند.

یکی از مردانی که آراستگی تام داشت به این وجه ممیزه، آیت‌الله میرزاجواد آقا تهرانی بود. کمتر کسی در دوران حیات &#171;میرزاجواد آقا تهرانی» از مقام علمی او با خبر بود و جایگاه ایشان را در علوم دینی و به‌ویژه تفسیر قرآن، می‌شناخت. کمتر کسی از کتبی که او تالیف کرده بود و با اسامی مستعار به چاپ رسانده بود، آگاه بود. با این حال، محبوب همه بود و در خانه‌اش به روی همه باز بود و هرگز نمی‌گذاشت دردمندی از خانه‌اش ناامید برگردد. در وجود او، علم و ایمان و اخلاق، گویی یکجا جمع شده و شخصیتی بزرگ را ساخته بود. نوشتار حاضر همانطور که در روزهای پایانی اسفندماه سال گذشته وعده شده بود اختصاص یافته است به درنگی در زندگی و آثار این عالم وارسته و استاد اخلاق عملی، آیت‌الله میرزاجواد آقا تهرانی.

با اینکه &#171;آیت‌الله» بود، هرگز نمی‌گذاشت کسی او را به این نام بخواند؛ به همان لقب متواضعانه &#171;میرزا» راضی بود. به گفته نزدیکان و همنشینانش، همه وجود و شخصیت علمی‌اش، نتیجه تدبر و غور در مفاهیم قرآن و احادیث بود. به این تدبر و تعقل تنها معتقد صرف نبود و اعتقادش با پایبندی به حقایق قرآنی و به‌عمل‌بستن آنها در زندگی‌اش همراه بود. میرزاجواد آقا از مصادیق آیه &#171;ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات سیجعل لهم الرحمن ودا» بود و دلیل محبوبیتش این بود که تواضع و وارستگی داشت و بی‌ادعا و بی‌توقع بود.

ولادتش در سال 1283 شمسی در شهر تهران و در خانواده‌ای شناخته‌شده و معتمد اتفاق افتاد. پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی در تهران، عازم قم شد تا دروس حوزوی را در آنجا ادامه دهد. مقدمات و مقداری از سطوح را در شیراز فرا گرفت و به نجف سفر کرد. اقامتش در نجف 2 سال طول کشید و در محضر آیت‌الله حاج‌شیخ مرتضی طالقانی، آیت‌الله سیدشهاب‌الدین مرعشی نجفی و آیت‌الله حاج شیخ محمدتقی آملی علم‌آموزی کرد.

قصدش این بود که در نجف بماند و تحصیلاتش را در همان سامان به سرانجام برساند اما نامه‌ای از مادرش به او رسید. او از پسرش خواسته بود به تهران بازگردد. میرزا با این باور که تحصیل علم واجب و اطاعت از مادر واجب است، نجف را ترک کرد و به تهران بازگشت. مقصد او بعد از رسیدن به تهران و ازدواج در آن شهر، مشهد بود؛ شهری که تا زمان فوتش در آن ماند. در حوزه علمیه شهر مشهد بود که دروس سطح را به سرانجام رساند. دروس خارج فقه و اصول و معارف را در طول 10 سالی که نزد &#171;آیت‌الله‌العظمی غروی اصفهانی» بود، فراگرفت. آیت‌الله اصفهانی تأثیر زیادی روی شخصیت و مشی علمی میرزاجواد آقا گذاشت و روش علمی و سلوک معنوی او کاملاً تأثیرپذیرفته از شخصیت استادش بود.

پس از اینکه تحصیلاتش تمام شد و سطوح عالی علوم حوزوی را طی کرد، تدریس و تالیف را آغاز نمود و تا آخر عمر به تدریس اشتغال داشت. جالب اینکه میرزاجواد آقا موضوعاتی را برای تدریس در نظر می‌گرفت که نیاز جامعه بود و در این زمینه، به مصلحت مسلمانان و طلاب توجه می‌کرد. زمانی دروس خارج فقه و اصول می‌گفت و معارف آموخته از استادش، آیت‌الله اصفهانی را به همان سبک و سیاق استاد، تدریس می‌کرد، دوره‌ای را به درخواست طلاب، به تدریس شرح منظومه سبزواری همت می‌گماشت و در دوره‌ای دیگر به تفسیر قرآن می‌پرداخت و دلیل این انتخاب‌های مختلف را اقتضای خاص هر دوره برمی‌شمرد. اخلاق خاص او حین تدریس این بود که به بزرگان علمی و دینی که آرای آنها را بیان و احیاناً نقد می‌کرد، توهین نشود. هنگامی که بر کلام کسی نقدی وارد می‌کرد، آن را ناشی از کم‌دانشی خود می‌دانست و برای درک بهتر آن، از شاگردانش می‌خواست به او کمک کنند. کاملاً حق را می‌پذیرفت و بر عقاید خودش بی‌جهت اصرار نمی‌ورزید و هنگامی که در مباحثات، مجاب می‌شد، به راحتی می‌گفت &#171;من اشتباه می‌کردم».

میرزاجواد آقا در سال‌های آخر عمرش که با دوران دفاع مقدس همزمان بود، با وجود سالخوردگی و با بدنی نحیف و پشتمی خمیده، چندین بار به جبهه رفت و جنگید. آن قدر پشتش خمیده بوده که زمانی که قرار شده خمپاره بزند، مجبور شده یک چهارپایه زیر پا بگذارد تا قدش به خمپاره‌انداز برسد. او آن روز 14 خمپاره به نام چهارده معصوم می‌اندازد که تمام‌شان هم به هدف می‌خورد. میرزاجواد آقا ارزش جهاد در راه خدا را خوب دریافته بود و درکی که از جایگاه والای مجاهد فی‌سبیل‌الله داشت، باعث شد که در دوران پیری، لباس رزم بپوشد و همراه جوانان در جنگ حاضر شود.

میرزاجواد آقا که مدتی بود به بیماری کبدی مبتلا شده بود، در آبان ماه سال 1368 در مشهد درگذشت. از هیچ کسی نخواست به او برای بهبودش دعا کند. حتی در روزهای آخر بیماری هم می‌گفته که هیچ ناراحتی و دردی ندارد و تنها ناراحتی او، نگرانی از قیامت و حساب و کتاب است. آرامگاهش در مشهد نیز بنا به خواسته خودش، بدون سنگ قبر و بی‌نام و نشان است.

دوراني که میرزا جواد آقا تهراني از محضر آیت‌الله غروي اصفهاني کسب فیض می‌کرد، دوران شکل‌گیری شخصیت او بود. او در تدریس از مشي استادش تبعیت می‌کرد و تفسیرش از معارف، همواره به سبک استادش بود. او مانند استادش به &#171#مکتب تفکیک» گرایش داشت و بعد از فوت استاد، مدرس این مکتب شد. این مکتب، میان معارف عقلي و فلسفي و آموزه‌هاي معرفتي و وحیاني، تفکیک قائل می‌شود. تفکیکیان معتقدند برای وصول به حقیقت و شناخت حقیقي دین، باید به معارف وحیاني خالص و ناب رجوع کرد و جز این، راه دیگری نمی‌توان یافت که با طی مسیر در آن بتوان از خطر انحراف فکر مصون ماند.

میرزا جواد آقا تالیف کتاب را از وظایف شرعي و اجتماعی خودش می‌دانست و تقریباً از همان زمانی که تدریس را آغاز کرد، به تالیف کتب در موضوعات مختلف هم روی آورد. در انتخاب موضوع برای تالیف کتاب نیز مثل تدریسش، اقتضای زمان را در نظر داشت. تالیف 2 کتاب در رد کمونیسم و ماتریالیسم، این عقیده او را به‌خوبی نشان می‌دهد. او کتاب &#171#بررسی در پیرامون اسلام» را در دوره‌ای تالیف کرد که عقاید احمد کسروی طرفدارانی پیدا کرده بود.

هدف میرزا جواد آقا در این کتاب، مردود اعلام کردن عقاید کسروی بود. در کتاب دیگرش، &#171#فلسفه اسلامي و بشري»، به کمونیسم و ماتریالیسم می‌پردازد و اصول این دو مکتب را نقد می‌کند و زیر سؤال می‌برد. کتاب &#171#عارف و صوفي چه می‌گویند» میرزا جواد آقا اختصاص به عرفان و تصوف دارد؛ در این کتاب ابتدا اصول تصوف و عرفان به تفصیل بیان می‌شود و سپس میرزا دیدگاه‌ها و نظریات خودش را درباره عرفان و تصوف مطرح می‌کند. سه کتاب &#171#میزان المطالب»، &#171#آیین زندگی و درس‌هاي اخلاق اسلامي» و &#171#بهایی چه می‌گوید» دیگر آثار میرزا جواد آقا تهراني هستند که در زمان حیات او منتشر شده‌اند.

تسلط میرزا جواد آقا بر تفاسیر مختلف و تبحر ایشان در علم تفسیر قرآن و احادیث، موجب شده که از او بیشتر از همه به‌عنوان &#171#مفسر قرآن» یاد شود. میرزا جواد آقا به تلازم قرآن و عترت در تفسیر اعتقاد داشت؛ زیرا به عقیده او توجه به قرآن و مفاهیم آن، بدون در نظر گرفتن عترت، انسان را دچار اشتباهات متعدد می‌کند و موجب گمراهی او می‌شود. میرزا خود موفق به تالیف کتابی در تفسیر قرآن نشد اما به‌تازگی يك کتاب تفسیر که شرح تقریرات او در زمان تدریسش است، توسط شاگرد او حجت‌الاسلام محمدباقر عبداللهیان در 2 جلد منتشر شده است.

این کتاب &#171#مصباح‌الهدی» نام دارد و شامل تفسیر سوره‌هاي حمد و بقره است. حجت‌الاسلام عبداللهیان پیش از فوت میرزا جواد آقا، پیش‌نویس کتاب را به ایشان عرضه کرده و محتوای آن را به تأییدشان رسانده است. ویژگی تفسیر مصباح‌الهدی این است که تفسیرگر در آن، روایات متعددی که با تفسیر آیات مختلف ارتباط داشته‌اند را ذکر کرده و از این روایات در بیان تفسیر استفاده کرده است.

همشهری آنلاین- ریحانه سادات هاشمی